

اثر جهانی شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر روی توزیع درآمد در ایران

محمد حسین صابونچی

کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت
sabounchi@gmail.com

علی رشیدزاده

کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت
alirashidzadeh@yahoo.com

جهانی شدن دارای پیامدهای مطلوب و نامطلوب است. از این رو لازم است با شناخت پیامدهای این پدیده در جهت کاهش آثار نامطلوب و تقویت آثار مطلوب اقدام شود. مطالعه چگونگی اثرگذاری جهانی شدن بر توزیع درآمد مبحثی است که اتحاد نظری بر آن وجود ندارد. در همین راستا، مطالعه کنونی با هدف تحلیل اثر جهانی شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر روی توزیع درآمد در ایران صورت گرفت. به این منظور از شاخص‌های سرمایه‌گذاری خارجی، تولید ناخالص داخلی سرانه، توان دوم تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص آزادسازی تجاری (جهانی شدن) طی دوره زمانی (1353-1390) و با روش خودهمبسته با وقفه توزیع شده (ARDL) استفاده شد. نتیجه به دست آمده حاکی از این است که نظریه کوزنتس در رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی صادق است؛ به این معنا که بین رشد درآمد سرانه و توزیع درآمد رابطه‌ای به شکل U معکوس وجود دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که با افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادسازی تجاری نابرابری درآمدی به موازات افزایش همگرایی اقتصاد ایران به سوی اقتصاد جهانی کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کوزنتس، نابرابری درآمدی، ایران.

1. مقدمه

امروزه نابرابری درآمدی یکی از پدیده‌های نامطلوب زندگی اجتماعی است و تمام جوامع بشری کاهش آن را در رأس اهداف خود قرار داده‌اند. نابرابری اقتصادی اغلب با فقر، جنایت و آشوب‌های اجتماعی همراه شده و نابرابری درآمدی یکی از دلایل بی‌ثباتی سیاسی و حتی جنگ‌های داخلی محسوب می‌شود (چنگ، 1994). دستیابی واقعی به سطح قابل قبولی از توزیع درآمد، ارزیابی پیامد سیاست‌های توسعه‌ای در عرصه توزیع، اطلاع از موقعیت و رفاه افراد جامعه و در نهایت برنامه‌ریزی به‌منظور ارتقای عدالت اجتماعی همگی در گروی شناخت وضعیت فعلی توزیع درآمد جامعه و اطلاع از موقعیت افراد در گروه‌های درآمدی مختلف می‌باشد و این امر میسر نیست مگر اینکه چارچوب نظری

توزیع درآمد، شاخص‌های نابرابری درآمدی و عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی بررسی کردند و موجب توزیع مجدد درآمد به نفع افراد دهک‌های پایین درآمدی شود؛ به گونه‌ای که بخشی از نارسایی‌های بخش‌های اقتصادی، تورم، بیکاری شدید، فقر و تغییرات جمعیتی را کاهش دهد. مقایسه آمارهای کشور ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد کشور ما در زمره کشورهای با نابرابری درآمد بالا قرار دارد (بانک مرکزی و بانک جهانی). همچنین، با مشاهده روند نابرابری درآمد در ایران درمی‌یابیم که نابرابری درآمد در سال‌های اخیر در حال افزایش بوده است (داودی و براتی، 1386). در سال‌های اخیر از مباحث اصلی اقتصاددانان، تبیین اثر آزادسازی تجاری بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. به‌طور کلی آزادسازی تجاری حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق کاهش تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری می‌باشد. از اهداف عمده آزادسازی تجاری جهش رشد اقتصادی و برخورداری از منافع ایستا و پویای ناشی از تجارت از طریق تخصیص کارآمد منابع، تشدید رقابت، ارتقای جریان دانش، سرمایه‌گذاری و در نهایت رشد سریع نرخ انباشت سرمایه و پیشرفت فنی است. اعتقاد بر این است که آزادسازی تجاری و توسعه اقتصادی از طریق پیشرفت تکنولوژی و تخصص موجب افزایش رشد می‌گردد. ادعا می‌شود که تجارت بین‌الملل به کشورهای کمک می‌کند تا از طریق پیشرفت تکنولوژی و تحریک رقابت بر پایه مزیت نسبی و رقابتی در کالاها و خدمات تخصص پیدا کنند، در نتیجه مصرف‌کنندگان قادر خواهند بود محصولات بیشتر را با کیفیت بهتر و قیمت ارزان‌تر مصرف نمایند. آزادسازی تجاری و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای موجب از رده خارج شدن بسیاری از صنایع سنتی و همچنین صناعی می‌شود که سال‌ها در کشور فعالیت کرده‌اند، اما در عین حال آزادسازی تجاری موجب پیدایش و ایجاد فرصت‌های نو در جهت سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران داخلی و خارجی می‌شود. سازمان بین‌المللی نیروی کار معتقد است که آزادسازی تجاری همچنین می‌تواند برخی مشکلات از قبیل افزایش بیکاری، نابرابری دستمزدها، نابرابری توزیع درآمد و افزایش فقر را به همراه داشته باشد. در این مطالعه، سعی بر این است تا اثر آزادسازی تجاری (جهانی شدن) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی توزیع درآمد در ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت با استفاده از رویکرد آزمون ARDL و آمار سری زمانی (1390-1357) مورد بررسی قرار گیرد.

2. پیشینه مطالعه

مطالعه رابطه متغیرهای کلان بر توزیع درآمد از مطالعه شولتز (1961) آغاز شد. مطالعات بعدی نیز نظیر بلایندر و اساک (1978)، شولتز (1961)، مورسین و بورایگنان (1990)، کوزنتس (1995)، گاپتا و داودی (2000)، ولا و اولالا (2005) و... به پیروی از شولتز به بررسی رابطه میان‌مدت اثر متغیرهای کلان بر توزیع درآمد پرداختند.

مطالعات متنوعی نیز در مورد کشور ایران انجام شده است. تعداد قابل توجهی از این مطالعات در راستای محاسبه شاخص‌های نابرابری (که به‌طور عمده ضریب جینی بوده است) انجام شده که در اینجا سعی می‌شود از این مطالعات چشم‌پوشی گردد و عمدتاً به مطالعاتی اشاره شود که در آن تأثیر متغیرهای کلان بر توزیع درآمد در ایران بررسی شده است. از مهم‌ترین مطالعات در ایران می‌توان به مطالعات ابونوری و خوشکار (1386)، بختیاری (1382)، احمدی (1384)، صدر منوچهری (1376)، ابونوری (1386)، سپهری (1371)، نیلی و فرح‌بخش (1373)، پازوکی (1369)، سلمانی و آقاجانزاده (1360) اشاره نمود. سلمانی و آقاجانزاده (1360) به بررسی وضعیت رشد اقتصادی و توزیع درآمد برای سال‌های (1356-1338) پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد رشد اقتصادی موجب بدتر شدن وضع توزیع درآمد شده است. صمدی (1371) با استفاده از تابع تقاضای مصرف، وضعیت توزیع درآمد را برای دوره (1367-1347) بررسی نمود و یافته‌های وی نشان می‌دهد که تورم تأثیر منفی بر توزیع درآمد دارد، اما در سال‌های 1367 و 1365 این تأثیر مثبت بوده است. پروین (1385) در مقاله خود به برخی از زمینه‌های تأثیر متقابل رشد و توزیع درآمد در اقتصاد ایران توجه نموده و ضمن اشاره به برخی از شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد، و با توجه به محدودیت آماری، نشان داده وجود درآمدهای نفتی این امکان را در اقتصاد ایران فراهم نموده است که فرایند توسعه بدون توجه به زمینه‌های نابرابری توزیع درآمد و پیامدهای آن شکل بگیرد؛ در حالی که توزیع نابرابری درآمد با ایجاد محدودیت در ساختار کیفی و کمی بازار بر دوگانگی اقتصاد تأکید می‌ورزد. همچنین، در این تحقیق آثار توزیعی مخارج و درآمدهای مالیاتی دولت هم مدنظر قرار گرفته است. دهمرده (1389) نیز در مطالعه خود به بررسی اثر بیکاری، تورم و تغییرات در سهم درآمد عوامل تولید بر توزیع درآمد پرداخت.

3. مبانی نظری

3-1. جهانی شدن و آزادسازی تجاری

امروزه جهانی شدن اصطلاح رایجی است. آزادسازی و جهانی شدن موجب افزایش حجم و نوع مبادله‌های مرزی کالاها و خدمات و افزایش جریان سرمایه جهانی و همچنین تسریع انتقال فناوری می‌شود (نوازش، 1998). جهانی شدن آنچنان جدی در حال گسترش است که مشخص نکردن سیاست اقتصادی مناسب و تعیین نکردن نوع، حدود و چگونگی رویارویی با این واقعیت و برخورد انفعالی در برابر آن ضررهای جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. جهانی شدن مانند بسیاری از تحولات تاریخی، هم پیامدهای مثبت و هم پیامدهای منفی به همراه دارد. شرایط گروه‌های فقیر و

توزیع درآمد به موازات گسترش پدیده جهانی شدن از زمینه‌های چالش‌انگیزی است که پیرامون اثرها، سودها و زیان‌های حاصل از آن عقاید مختلفی وجود دارد و به همین دلیل نحوه تأثیرگذاری جهانی شدن بر توزیع درآمد در صحنه جهانی همواره مورد توجه بوده است. مانند (1957) برای باور است که با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل امکان بهره‌گیری از سرمایه بیشتر میزان تولید نهایی نیروی کار افزایش یافته و در نتیجه دستمزد نیروی کار نیز افزایش می‌یابد که این افزایش سرانجام به کاهش نابرابری درآمد منجر خواهد شد. از سوی دیگر فینسترا و هانسون (1997) معتقدند افزایش سرمایه‌گذاری خارجی منجر به افزایش تقاضا و دستمزد نیروی کار ماهر می‌شود و سرانجام اختلاف میان درآمد گروه‌ها گسترش می‌یابد، اما فیجینی و جرگ (1999) اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر روی توزیع درآمد را با توجه به مرحله حضور در عرضه جهانی متفاوت می‌دانند. آنها بر این باورند که میان نابرابری درآمدی و سرمایه‌گذاری خارجی رابطه‌ای معکوس وجود دارد و نخست به دلیل بهبود موقعیت کارگران ماهر و افزایش دستمزد آنها نابرابری به شکل U افزایش و در ادامه به دنبال کسب مهارت از سوی کارگران غیرماهر نابرابری کاهش می‌یابد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال 1946، کشورهای بزرگ درگیر جنگ در جستجوی چاره‌ای برای برون‌رفت از وضعیت بد اقتصادی خود بودند. بر این اساس، کشورهای مختلف جهان به‌ویژه کشورهای صنعتی غرب، اقدام به برقراری یک سیستم جهانی تجارت برای مقابله با عدم تعادل‌های اقتصادی و استفاده از رویه‌های حمایتی به‌منظور حمایت از صنایع داخلی آنها نمودند. در این ارتباط، قدم اول در برتون وودز آمریکا برداشته شد و کنفرانسی متشکل از نمایندگان چند کشور با محوریت 2 کشور صنعتی جهان آن روز، یعنی آمریکا و انگلستان، برگزار شد و هدف اصلی آن تنظیم یک مؤسسه پولی بین‌المللی بود. در نخستین اقدام صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تأسیس شد، اما این 2 سازمان پاسخگوی رشد شتابان تولید و تجارت جهانی نبودند؛ به همین دلیل در سال 1946 کنفرانسی در هاوانا تشکیل و در جریان این اجلاس منشور هاوانا تدوین شد. در این منشور جهت ساماندهی به بازرگانی بین‌المللی تأسیس نهادی تحت‌عنوان سازمان تجارت جهانی بین‌المللی (ITO) پیش‌بینی شد، اما مذاکرات هاوانا در جهت تشکیل این سازمان نتیجه نداد و فقط در سال 1947 منجر به تصویب یک قرارداد 38 ماده‌ای تحت‌عنوان "موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)" با امضای 23 کشور (عمدتاً صنعتی) گردید (رودریک، 199).

مهم‌ترین هدف سازمان، کمک به جریان آزاد تجارت از طریق برداشتن موانع است تا حدی که عوارض دیگری در پی نداشته باشد و در این راستا با درک قوانین، به صورت شفاف و قابل پیش‌بینی به اشخاص، سازمان‌ها و دولت‌ها اطمینان داده می‌شود که تغییرات ناگهانی بر این قوانین تأثیری نخواهد داشت. بر این اساس کشورهای عضو حق ندارند با شرکای تجاری با تبعیض رفتار نمایند، به این معنا که وقتی کشوری تعرفه وارداتی خود را کاهش دهد و یا عوارض گمرکی برای محصول یکی از کشورها کاهش یابد، می‌بایست همان برخورد با تمام کشورهای عضو این سازمان

عملی گردد که این اصل بنام اصل دولت کامله‌الوداد نامیده می‌شود و در سازمان تجارت جهانی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. همچنین، کاهش تعرفه گمرکی و حذف یارانه از شروط اصلی عضویت در این سازمان است. آزادسازی تجاری که به‌عنوان حرکت به‌سمت تجارت آزاد از طریق کاهش در تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری تعریف شده است، مهم‌ترین نیروی پیش‌برنده جهانی شدن محسوب می‌شود. اصل آزادسازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها، تثبیت سقف تعرفه‌ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه‌ها و در مرحله بعد کاهش و حذف این موانع صورت می‌گیرد. در 2 دهه اخیر افزایش سریع در جریان کالاها و خدمات میان مرزهای کشورهای مختلف یکی از جنبه‌های قابل مشاهده افزایش در ادغام اقتصادی کشورها بوده است. به‌طور کلی اگر از چارچوب نظریه‌های تجارت بین‌الملل به مسئله تجارت آزاد نگریسته شود، بدون تردید این پدیده برای کشورهای درحال توسعه بسیار مثبت تلقی می‌شود. موافقان و مخالفان پدیده جهانی شدن، در دفاع از نظرات خود به بسیاری از جنبه‌های مثبت و منفی جهانی شدن و به‌خصوص آزادسازی تجاری اشاره دارند. موافقان آزادسازی تجاری معتقدند که در فرایند آزادسازی، بازار کار به سوی انعطاف‌پذیری بیشتر حرکت کرده و شفافیت آن گسترش و در نتیجه تجارت و مبادلات اقتصادی و تقاضا برای نیروی متخصص در بخش‌هایی که بازار جهانی راه یافته‌اند، افزایش می‌یابد. افزایش کارایی عوامل تولید، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و سرمایه‌فیزیکی، رشد تولید در بخش‌هایی که از مزیت نسبی برخوردارند، شفاف شدن ارتباط میان کارگر و کارفرما، رقابتی شدن بازار کار و حذف انحراف قیمت عوامل تولید، از جمله کار و سرمایه، از دیگر پیامدهای مورد انتظار این اثرگذاری است، اما منتقدان آزادسازی تجاری نیز به مشکلاتی از قبیل افزایش در بیکاری و نابرابری دستمزدها در کشورهای پیشرفته، افزایش استعمار کارگران در کشورهای در حال توسعه، افزایش در فقر و نابرابری جهانی و ... اشاره می‌کنند.

2-3. ایران و آزادسازی تجاری

با توجه به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و محاصره اقتصادی که امکان پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور را ضعیف کرده بود، اتخاذ سیاست اصلاح ساختار اقتصادی از ضروریات غیر قابل انکار بوده، بر این اساس از سال 1368 سیاست‌ها به سمت آزادسازی اقتصادی از جمله آزادسازی تجاری میل نمود، اما حاصل این سیاست رشد اقتصادی سریع و کسری تجاری بالا به همراه تغییر رژیم ارزی بود. انتظار سیاستگذاران این بود که با اصلاح قیمت‌های نسبی، به‌ویژه در بخش خارجی، کسری‌های تجاری در بلندمدت کاهش یابد، اما بحران بدهی سال 1373 و کاهش شدید واردات از طریق تشدید مجدد محدودیت‌های کمی نشان داد سیاستگذاران اقتصادی قادر به هموار کردن جریان واردات از طریق هدایت و زمان‌بندی صحیح سیاست‌های آزادسازی تجاری نبوده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، 1383-1368).

تخمین کَشش‌های قیمتی و درآمدی واردات در طراحی موفقیت‌آمیز سیاست‌های تعدیل ساختاری و زمان‌بندی صحیح اجرای سیاست‌های مذکور اهمیت بسیاری دارد. در صورتی که کَشش‌های قیمتی و درآمدی نسبتاً باثبات بوده و بتوان مبتنی بر اطلاعات نمونه آنها را با دقت بالا برآورد نمود، آنگاه تحولات تراز تجاری با اطمینان بیشتری قابل پیش‌بینی خواهند بود.

3-3. جهانی شدن و توزیع درآمد

گرچه تب آزادسازی و جهانی شدن تمام جهان را در بر گرفته است، اما هنوز ابهامات فراوانی در رابطه با ماهیت، تعریف، تاریخچه و پیامدهای جهانی شدن وجود دارد و هر روز شاهد انتشار کتب و مقالات و ارائه سخنرانی‌ها و سمینارهایی در این رابطه هستیم که در برخی از آنها طرفداران متعصب این فرایند با تکیه بر پیامدهای مطلوب و مثبت آن کشورهای در حال توسعه جهان را به الحاق هرچه سریع‌تر به آن فراخوانده و هر کندی و تردید در باز نمودن مرزهای اقتصاد ملی به روی اقتصاد جهانی و پیوستن به این موج فراگیر را موجب از دست رفتن فرصت‌های مغتنم و تحمل هزینه‌ها و خسارت‌های غیر قابل جبران می‌دانند. از دید آنها اصلاحات موسوم به آزادسازی از طریق کاهش رانت خواری‌ها، افزایش رقابت و کارایی، ایجاد فرصت‌های بزرگ برای صادرات و رشد فراروی کشورهای در حال توسعه موجب همگرایی کشورهای فقیر و غنی در درآمد و سطح زندگی شده و از این طریق می‌توان مشکل بزرگ عصر حاضر یعنی فقر گسترده و عمیق در کشورها را مهار نمود و کاهش داد. آنها همچنین مدعی هستند که آثار توزیعی این اقدامات خنثی است (و در برخی مناطق که دارای نیروی کار تحصیلکرده مازاد هستند، آثار توزیعی مثبت است) به طوری که در بلندمدت نابرابری درآمدها ثابت مانده و از آنجایی که هیچگونه ارتباط قوی بین رشد و نابرابری برقرار نیست بهترین روش برای کاهش فقر استفاده از سیاست‌های رشد‌گرایانه است و نه سیاست‌های توزیعی.

اما به‌رغم این تحولات گسترده و بالا گرفتن تب جهانی شدن، نگرانی‌های بسیاری نسبت به برخی پیامدهای این فرایند همچون آثار آن بر رفاه اجتماعی از جمله تأثیرات آن بر اشتغال، فقر، نابرابری و کیفیت زندگی اکثر مردم وجود دارد و به نظر می‌رسد که داده‌های آماری مربوط به رشد و نابرابری چندان خوشبینانه نیستند و در واقع شواهد تجربی حاکی از آن است که در بسیاری از کشورها، 2 دهه گذشته رشد کندتر و نابرابری بالاتری را به همراه داشته است.

نرخ رشد اقتصاد جهانی در مقایسه با عصر طلایی سرمایه‌داری (1950-1973) که در آن نرخ رشد جهان 5 درصد بوده است، کاهش را نشان می‌دهد و تنها چند کشور معدود در آسیای شرقی توانسته‌اند نرخ‌رشد‌های لازم برای همگرا شدن با درآمد سرانه کشورهای صنعتی را تجربه نمایند، اما در اکثر کشورهای در حال توسعه و نیز اقتصادهای در حال گذر شکاف درآمدی بین شمال، جنوب و شرق و غرب در سال‌های پایانی دهه

1990 عمیق‌تر از سال‌های دهه 1980 یا 1960 بوده است. این واگرایی رو به گسترش کشورها با افزایش نابرابری در درون کشورها همراه بوده است (ایل‌یو و هولی، 2000).

بسیاری از مطالعات کشوری و منطقه‌ای نشان می‌دهد طی 20-15 سال گذشته در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، اروپای شرقی و کشورهای شوروی سابق، چین و تعدادی از کشورهای آفریقایی و آسیای جنوب شرقی و از اوایل دهه 1980 تقریباً در $\frac{2}{3}$ کشورهای OECD تمرکز درآمدها افزایش یافته است. حرکت اخیر به سوی آزادسازی و جهانی شدن اغلب افزایش در نابرابری را به همراه داشته است؛ اگرچه در معدودی از کشورها چون برخی از کشورهای آسیای شرقی حرکت آزادسازی با روند با ثبات و یارو به کاهش توزیع درآمدها همراه بوده است.

دلایل مهمی برای پرداختن به آثار آزادسازی بر توزیع درآمد وجود دارد. توزیع درآمد به خودی خود مهم است زیرا رفاه انسان‌ها به مقدار مطلق و نسبی درآمدشان بستگی دارد و از طرفی چگونگی توزیع درآمد بر موضوعاتی چون ثبات اجتماعی و سیاسی و نیز فقر و رشد تأثیر مستقیم دارد. اکنون شواهدی در دست است که توزیع درآمدهای عادلانه‌تر با نرخ‌های بالاتر رشد اقتصادی همراه است. از دیدگاه رفاه شاید گفته شود کاهش گستردگی و شیوع فقر بسیار مهم‌تر از بحث توزیع درآمدها به‌ویژه در کشورهای فقیر است، اما تأثیرات توزیع درآمد از این جنبه نیز حائز اهمیت است زیرا تغییر سطح فقر به تغییر رشد اقتصادی و توزیع درآمد جامعه بستگی دارد. توزیع درآمد بسیار نابرابر در یک کشور می‌تواند دستاوردهای درخشان رشد اقتصادی و افزایش تولید و رفاه را تنها به قشر ثروتمند جامعه اختصاص بدهد؛ در این حال جامعه در کنار رشد اقتصادی شاهد افزایش گسترده فقر نیز خواهد بود.

در میان نظریه‌پردازان توسعه اتفاق نظری وجود دارد مبنی بر اینکه که منشأ همه نابسامانی‌ها در یک ساخت توسعه‌نیافته مسئله فقر و نابرابری است. بنابراین هر بحرانی که در این کشورها به وجود می‌آید از بحران جمعیت گرفته تا محیط‌زیست، از بحران وابستگی گرفته تا بحران از ریخت‌افتادگی و ناموزونی و نیز همه بحران‌های جانبی دیگر به نوعی ریشه در مسئله فقر و نابرابری دارد. به عبارت دیگر فقر و نابرابری مهم‌ترین عامل بازتولید توسعه‌نیافتگی است.

کشورهایی که تجارت بین‌الملل را در پیش می‌گیرند در تولید کالا با استفاده از منابع ارزان و فراوان تخصص پیدا می‌کنند و بنابر قضیه استالپر-سامونلسون¹ آزادسازی تجاری موجب افزایش تقاضا و دستمزد برای آن عامل تولیدی خواهد گردید که کشور در آن دارای مزیت نسبی است. بنابراین طبق پیش‌بینی این قضیه جهانی شدن تجارت از یک سو تقاضا برای نیروی کار ماهر را در کشورهای شمال

1. Stolper-Samuelson Theorem

افزایش می‌دهد و در نتیجه موجب افزایش نابرابری در آنها می‌گردد و از سوی دیگر با افزایش تقاضا برای نیروی کار غیرماهر کشورهای جنوب نابرابری در آن کشورها را کاهش می‌دهد. شواهد تجربی، افزایش نابرابری در کشورهای شمال طی 2 دهه اخیر را تأیید نموده اما از افزایش نابرابری در برخی کشورهای جنوب که به آزادسازی تجارتشان پرداخته‌اند، حمایت نمی‌کند. این افزایش نابرابری در کشورهای جنوب را می‌توان از طریق عامل بعد انتقال تکنولوژی توضیح داد.

3-4. سرمایه‌گذاری خارجی

به هر نوع سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی توسط شرکت‌های خصوصی و افراد حقیقی منهای کمک‌های دولتی، سرمایه‌گذاری خارجی گویند (کیانی و سبزی، 1385).

از نظر قانون جلب و حمایت، سرمایه‌گذاری اشخاص و شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی خارجی به‌عنوان سرمایه‌گذار خارجی به رسمیت شناخته شده‌اند. امروزه در جهان کمتر کشوری وجود دارد که در فکر جذب سرمایه‌های خارجی نباشد و در واقع رقابت سنگین بین کشورها جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی وجود دارد. این رقابت در کشورهای درحال توسعه شدت بیشتری خواهد داشت، زیرا این کشورها جهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی نیاز به منابع مالی کافی دارند. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم، یکی از عوامل رشد سریع کشورهای جنوب شرق آسیا همچون سنگاپور، مالزی و کره جنوبی، که به بیره‌های آسیا معروفند، جذب سرمایه‌های خارجی بوده است. به‌عنوان مثال کشور مالزی تا 20 سال پیش اقتصاد شکوفایی نداشت، اما با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به رشد مداوم 6/5 درصدی در تولید ناخالص ملی رسید. این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی علاوه بر رشد و توسعه اقتصادی می‌تواند موجب حل مشکلات تورم، بیکاری، گسترش بازارهای بین‌المللی، اثر مثبت بر تراز تجاری و همچنین نوآوری و ایجاد تکنولوژی جدید در کشورهای سرمایه‌پذیر شود.

3-5. تأثیر انتقالات تکنولوژی بر توزیع درآمد

امروزه ابداعات و تغییرات تکنولوژی در کشورهای شمال به‌سرعت به سوی تکنولوژی‌های مهارت‌بر حرکت می‌کند. گسترش این نوع تکنولوژی تقاضا برای نیروی کار ماهر را افزایش داده و این افزایش تقاضا در کنار افزایش بهره‌وری این کارگران شکاف دستمزدی را در کشورهای توسعه‌یافته عمیق‌تر می‌نماید. در عین حال تکنولوژی‌های قدیمی‌تر که می‌توانست نیروی کار با مهارت کمتر را به خدمت بگیرد به کشورهای در حال توسعه انتقال یافته که این امر شکاف دستمزدی در کشورهای توسعه‌یافته را تشدید می‌نماید، اما در کشورهای در حال توسعه نیز نابرابری با انتقال تکنولوژی تشدید می‌گردد زیرا این تکنولوژی‌ها برای این کشورها تکنولوژی مهارت‌بر محسوب می‌شود و موجب افزایش تقاضا و بهره‌وری

کارگران ماهر و کاهش تقاضا برای کارگران غیرماهر که در این کشورها فراوانند می‌گردد و با افزایش نابرابری دستمزدها بر نابرابری درآمدها می‌افزاید.

4. معرفی مدل

در این تحقیق به رابطه بین جهانی شدن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد مربوط به دوره زمانی (1353-1390) در ایران پرداخته می‌شود؛ به این منظور از الگویی به شرح زیر استفاده شده است. در این مطالعه برای بررسی اثر جهانی شدن بر روی توزیع درآمد از مدل پیشنهادی ما (2003) به شرح زیر استفاده شد:

$$G_t = C + \beta_1 Y_t + \beta_2 Y_t^2 + \beta_3 FDI_t + \beta_4 MLIB + \beta_5 DU5967 \quad (1)$$

در الگوی بالا

G_t : ضریب جینی

Y_t : درآمد سرانه

Y_t^2 : توان دوم درآمد سرانه

FDI: سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم

MLIB: متغیر مجازی آزادسازی برای بررسی موانع غیر تعرفه‌ای به عنوان ابزار آزادسازی تجاری می‌باشد که برای سال‌های پیش از 1368 و سال 1368، عدد صفر و برای سال‌های پس از 1368 عدد 1 در نظر می‌گیریم. DU5967 متغیر مجازی برای دوره جنگ تحمیلی (با ارزش صفر برای پیش از سال 1359 و پس از سال 1367 و یک برای سال‌های (1367 تا 1359))

داده‌های سری زمانی متغیرهای معرفی شده از گزارش‌های مرکز آمار ایران و آمارنامه‌های بانک مرکزی (1353-1390) جمع‌آوری شده است.

5. روش اقتصادسنجی و برآورد مدل

در این مطالعه از روش اقتصادسنجی ARDL استفاده شده است. برای شروع می‌توان گفت که ARDL از لحاظ آماری روشی بهتر و معنادارتر برای تعیین روابط هم‌انباشتگی در نمونه‌های کوچک بوده، در حالی که تکنیک جوهانسون جهت اعتبار نتایجش به نمونه‌های بزرگ نیاز زیادی دارد. بر اساس مطالعه پسران و همکاران (2001) با استفاده از روش ARDL و با منظور نمودن وقفه‌های مناسب، می‌توان ضرایب بلندمدت سازگاری میان متغیرهای مورد نظر در یک مدل به دست آورد. در روش ARDL برای هر یک از متغیرها با استفاده از معیارهایی مانند شوارتز-بیزین، آکائیک و حنان کوئین، وقفه‌های بهینه

انتخاب می‌شود. این الگو از این مزیت نیز برخوردار است که علاوه بر برآورد ضرایب مربوط به الگوی بلندمدت، الگوی تصحیح خطا را نیز به‌منظور بررسی چگونگی تعدیل بی‌تعادلی کوتاه‌مدت به تعادل بلندمدت، ارائه می‌دهد. پسران و پسران (1996) در کتاب خود ثابت می‌کنند که اگر بردار همجمعی حاصل از به‌کارگیری روش حداقل مربعات در یک الگوی خودتوضیح با وقفه‌های توزیعی که وقفه‌های آن به‌خوبی تصریح شده به‌دست آید، علاوه بر اینکه از توزیع نرمال برخوردار خواهد بود در نمونه‌های کوچک از اریب کمتر و کارایی بیشتری برخوردار است.

در ادامه به برآورد مدل مطرح شده در مطالعه پیش رو پرداخته می‌شود. استفاده از روش‌های معمول اقتصادسنجی در کارهای تجربی مبتنی بر فرض ساکن‌پذیری متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد. از طرف دیگر اکثر سری‌های زمانی اقتصاد کلان ساکن‌پذیر نمی‌باشند و استفاده از سری‌زمانی ناپایستا در یک معادله اقتصادی با استفاده از روش‌های کلاسیک (ستتی) ممکن است به نتایج جعلی منجر گردد. از این رو پیش از استفاده از متغیرهای سری‌زمانی لازم است نسبت به ساکن‌پذیری و ساکن‌ناپذیری آن اطمینان حاصل نمود. برای اطمینان از ساکن‌پذیری و ساکن‌ناپذیری متغیرهای سری‌زمانی مورد استفاده در مدل از آزمون‌های دیکی-فولر تعمیم‌یافته استفاده می‌شود. آزمون ساکن‌پذیری دیکی-فولر تعمیم‌یافته برای متغیرهای مدل با استفاده از نرم‌افزار Eviews 5.1 انجام گرفته و نتایج آن در جدول (1) نشان داده شده است.

جدول 1. نتایج آزمون ساکن‌پذیری متغیرها در سطح

عوامل جبری	متغیر	ADF محاسباتی	ADF جدول	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ	LG	-1/98	-2/94	غیر ساکن
عرض از مبدأ و روند		-1/81	-3/54	
عرض از مبدأ	LY	-3/2	-2/94	ساکن
عرض از مبدأ و روند		-4/23	-3/54	
عرض از مبدأ	LFDI	-3/07	-2/94	ساکن
عرض از مبدأ و روند		-4/56	-3/54	

مأخذ: نتایج تحقیق.

بنابراین، در مرحله بعد آزمون ساکن‌پذیری بر روی تفاضل مرتبه اول متغیرهایی که در سطح ساکن نبوده‌اند، صورت گرفته که نتایج آن در جدول (2) آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود در تفاضل مرتبه اول متغیرهایی که در سطح ساکن نبوده‌اند قدرمطلق آماره ADF محاسباتی از قدرمطلق ADF جدول در سطح 5 درصد بزرگتر است و در نتیجه فرضیه صفر یعنی وجود ریشه

واحد در تفاضل مرتبه اول متغیرهایی که در سطح ساکن نبوده‌اند، رد می‌شود و متغیرها در تفاضل مرتبه اول ساکن هستند. نتیجه نهایی آزمون ساکن‌پذیری در جدول (3) آمده است.

جدول 2. نتایج آزمون ساکن‌پذیری متغیرها در تفاضل مرتبه اول

عوامل جبری	متغیر	ADF محاسباتی	ADF جدول	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ	LG	-3/95	-2/94	ساکن
عرض از مبدأ و روند		-4/01	-3/54	

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول 3. نتیجه نهایی آزمون ساکن‌پذیری متغیرها

نتیجه آزمون ساکن‌پذیری	متغیر
I(1)	LG
I(0)	LY
I(0)	LFDI

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ساکن‌پذیری، از آنجایی که متغیرهای مورد استفاده همگی ساکن‌پذیر $I(0)$ نیستند، روش مورد استفاده با توجه به مباحث گفته شده در قسمت مبانی نظری از الگوی خودهمبسته با وقفه توزیع شده (ARDL) استفاده می‌شود. به‌طور معمول در داده‌های سالانه، وقفه را یک یا 2 و برای داده‌های با فراوانی بیشتر (مانند داده‌های فصلی و ماهانه) طول وقفه را می‌توان بیشتر وارد کرد، که این انتخاب با تشخیص محقق انجام می‌شود (پسران و پسران، 1996). پس از انتخاب حداکثر وقفه، با انتخاب معیار شوارتز-بیزین (SBC)¹ از بین معیارهایی مانند آکاییک، خان-کوئین و ضریب تعیین تعدیل شده وقفه‌های بهینه تعیین می‌شود. معمولاً در نمونه‌های کمتر از 100 از معیار شوارتز-بیزین استفاده می‌شود تا درجه آزادی زیادی از دست نرود.

در این مطالعه، با توجه به اینکه معیار شوارتز-بیزین در وقفه 2 (7/72) به‌دست آمده است که نسبت به معیار شوارتز-بیزین در وقفه یک (3/58) بیشتر می‌باشد، بنابراین حداکثر وقفه بهینه 2 در نظر گرفته شده است.

5-1. تخمین کوتاه‌مدت مدل

مدل مورد نظر توسط نرم‌افزار Microfit 4.1 با وارد کردن داده‌های مربوط به ایران از سال (1353-1390) تخمین زده می‌شوند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون ساکن‌پذیری، چون متغیرهای مورد استفاده همگی ساکن‌پذیر $I(0)$ نیستند، روش مورد استفاده با توجه به مباحث گفته شده در قسمت

1. Schwarz Bayesian Criterion

مبانی نظری از الگوی خودهمبسته با وقفه توزیع شده (ARDL) استفاده می‌شود. حداکثر وقفه‌های مدل را مساوی 2 قرار داده و نرم افزار 4.1 Microfit مدل ARDL (2/1/0/0) را مطابق معیار شوارتز - بیزین، به‌عنوان بهترین مدل برآوردی انتخاب می‌کند که خلاصه نتایج این مدل در جدول (1) ارائه شده است.

جدول 4. نتایج ضرایب کوتاه‌مدت ARDL (2/1/0/0)

Variable	Coefficient	Standard Error	T-Ratio	P-Value
LG(-1)	1/053	0/141	7/44	0/000
LG(-2)	0/109	0/058	1/87	0/015
LY	0/147	0/042	3/47	0/000
LY(-1)	0/342	0/191	1/78	0/084
LY2	-/015	0/128	-2/183	0/006
MLIB	-/19	0/063	-3/01	0/006
LFDI	-/11	0/189	-2/74	0/010
DU5967	0/31	0/13	3/194	0/003
C	2/51	9/851	0/254	0/811
R-Squared=0/965, R-Bar-Squared=0/958, F-Stat= 130 [0/00]				
DW-Statistic=1/962 Schwarz Bayesian Criterion -7/72				

مأخذ: نتایج تحقیق.

در جدول بالا LG، LY، LY²، LFDI، MLIB، DU5967 به ترتیب نشان‌دهنده لگاریتم نابرابری درآمدی (ضریب جینی)، لگاریتم درآمد سرانه، لگاریتم دوم درآمد سرانه، لگاریتم سرمایه‌گذاری خارجی، متغیر جهانی شدن و متغیر مجازی برای جنگ برای سال‌های (1367-1359) مقدار یک و برای قبل از سال 1359 و بعد از 1367 مقدار صفر منظور شده است) می‌باشند. همانطور که می‌بینیم متغیر وابسته با 2 بار وقفه در سمت راست معادله و قیمت‌های نسبی کالاهای داخلی به کالاهای جهانی با یک وقفه و سایر متغیرها بدون وقفه ظاهر شده‌اند. اگر ضرایب به‌دست آمده از نرم افزار را در مدل جایگزین کنیم مدل کوتاه‌مدت برآورد شده به‌صورت زیر درمی‌آید:

$$G_t = 2/51 + 1/053G_t(-1) + 0/109G_t(-2) + 0/147Y_t + 0/342Y_t(-1) - 0/015Y_t^2 - 0/11FDI_t + 0/31DU5967 \quad (2)$$

با توجه به ضرایب مدل رگرسیونی (2)، درمی‌یابیم که B₂ (ضریب (-1) G_t) دارای علامت مثبت مورد نظر بوده و از لحاظ آماری نیز معنادار می‌باشد. یعنی نابرابری درآمدی یک سال قبل بر نابرابری درآمدی سال بعد تأثیر مثبت و معناداری به‌جا می‌گذارد.

ضریب $G_t(-2)$ از لحاظ آماری معنادار و دارای علامت مورد نظر می‌باشد و حاکی از آن است که نابرابری درآمدی 2 سال قبل، تأثیر مثبت بر نابرابری درآمدی به جا می‌گذارد. ضریب Y از لحاظ آماری معنادار و نشان‌دهنده تأثیر مثبت درآمد ملی سرانه بر افزایش نابرابری درآمدی می‌باشد. ضریب $(-1) Y_t$ از لحاظ آماری معنادار و نشان‌دهنده این است که درآمد ملی سرانه دوره قبل دارای تأثیر مثبتی بر افزایش نابرابری درآمدی سال بعد می‌باشد. ضریب Y_t^2 از لحاظ آماری معنادار و نشان‌دهنده این است که شاخص قیمت‌های نسبی کالاهای صادراتی در سال قبل بر نابرابری درآمدی تأثیر منفی می‌گذارند. ضریب FDI_t از لحاظ آماری معنادار و نشان‌دهنده این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمدی تأثیر منفی می‌گذارند.

همانطور که از جدول (4) مشخص است، ضریب تعیین (0/965) و آماره $F(130/25)$ ، نشان از قدرت توضیح‌دهندگی بالای مدل دارد و همچنین از آنجایی که ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده به یکدیگر بسیار نزدیک می‌باشند می‌توان نتیجه‌گیری نمود که با مشکل ورود متغیر زائد در مدل برآوردی روبرو نمی‌باشیم. همانطور که جدول (5) نشان می‌دهد، آزمون تشخیص فروض کلاسیک برای معادله برآورد شده به دلیل بیشتر بودن عدد داخل براکت از سطح 0/05، از نظر آماری معنادار بوده و دلیلی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد. بنابراین مدل با مشکلات همبستگی سریالی،¹ فرم تبعی (تصریح مدل)،² نرمالیتی³ و ناهمسانی واریانس⁴ مواجه نیست.

جدول 5. نتایج آزمون تشخیص فروض کلاسیک

Test Statistics	LM Version	F Version
Serial Correlation	0/1312[0/717]	0/10675[0/746]
Functional Form	0/6245[0/429]	0/5150 [0/478]
Normality	3/257[0/196]	Not applicable
Heteroscedasticity	0/023[0/878]	0/0221[0/883]

مأخذ: نتایج تحقیق.

1. Serial Correlation
2. Functional Form
3. Normality
4. Heteroscedasticity

2-5. تخمین بلندمدت مدل

نتایج حاصل از تخمین بلندمدت مدل در جدول (6) ارائه شده است.

جدول 6. نتایج تخمین بلندمدت مدل ARDL (2/1/0/0)

Variable	Coefficient	Standard Error	T-Ratio	P-Value
C	7/34	30/211	0/243	[0/81]
Y	0/4152	0/0191	21/71	[0/000]
Y2	-0/096	0/025	-3/84	[0/000]
MLIB	-0/206	0/05	-4/119	[0/000]
FDI	-1/178	0/31	-5/737	[0/000]
DU5967	1/085	0/29	3/695	[0/001]

مأخذ: نتایج تحقیق.

در جدول بالا Y ، Y^2 ، FDI، MLIB، DU5967 و C به ترتیب نشان‌دهنده لگاریتم درآمد ملی سرانه، توان دوم درآمد ملی سرانه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، متغیر آزادسازی تجاری و متغیر مجازی برای سال‌های جنگ و عرض از مبدأ می‌باشند.

مدل بلندمدت به شکل زیر می‌باشد:

$$G = 7/34 + 0/41Y - 0/096Y^2 - 0/17FDI - 0/206MLIB - 1/08DU5967 \quad (3)$$

متغیر رشد اقتصادی (GY) نیز معنادار و دارای ضریب مورد انتظار مثبت می‌باشد، به این معنا که یک درصد افزایش در رشد اقتصادی موجب افزایش 0/26 درصد ضریب نابرابری درآمد می‌شود. به عبارت دیگر کشش نابرابری درآمد نسبت به رشد اقتصادی 26 درصد می‌باشد یعنی رشد اقتصادی منجر به افزایش نابرابری در ایران شده است. به عبارتی رشد اقتصادی در خلال سال‌های مورد مطالعه به نفع طبقات پردرآمد و به ضرر طبقات محروم جامعه در جریان بوده است. طبق فرضیه کوزنتس در صورتی که جامعه در ابتدای توسعه یافتگی قرار داشته باشد رشد اقتصادی منجر به افزایش نابرابری درآمدی خواهد شد.

متغیر مجازی برای انقلاب (DI) معنادار و دارای ضریب مورد انتظار منفی می‌باشد، یک درصد افزایش در متغیر مجازی مربوط به انقلاب موجب کاهش 0/02 درصد ضریب نابرابری درآمد می‌شود. با توجه به یافته‌های جدول (6) می‌توان گفت در بلندمدت الگوی نظریه کوزنتس مورد تأیید قرار گرفته است. به این معنا که میان توزیع درآمد که بر اساس شاخص ضریب جینی بیان شده است و تولید ناخالص داخلی، سرانه معکوس وجود دارد و با افزایش رشد اقتصادی در ابتدا نابرابری افزایش و پس از نقطه‌ای این نابرابری

کاهش می‌یابد و رابطه‌ای به شکل U وجود دارد. در الگوهای تصریح شده تأیید تئوری کوزنتس معادل با علامت مثبت متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه و علامت منفی برای متغیر توان دوم متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه می‌باشد. ضرایب یاد شده در سطح اطمینان 90 درصد حائز اهمیت آماری هستند. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش همگرایی اقتصادی ایران به سوی اقتصاد جهانی میزان نابرابری کاهش می‌یابد.

3-5. تخمین الگوی تصحیح خطا

در ادامه به برآورد الگوی تصحیح خطا پرداخته می‌شود که بیانگر ارتباط کوتاه‌مدت میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل الگو می‌باشد و ضرایب مربوط به آن در جدول (7) ارائه شده‌اند.

جدول 7. نتایج الگوی تصحیح خطا

Variable	Coefficient	Standard Error	T-Ratio	P-Value
ECM(-1)	-0/355	0/095	-3/71	0/001

مأخذ: نتایج تحقیق.

آنچه در مدل تصحیح خطا بیش از همه حائز اهمیت است، ضریب جمله تصحیح خطاست که نشان‌دهنده سرعت تعدیل فرایند عدم تعادل به سمت تعادل در بلندمدت می‌باشد. همانطور که در جدول (7) ملاحظه می‌شود، این ضریب معنادار و دارای علامت منفی است، وجود رابطه همجمعی (بلندمدت) بین متغیرها از این روش تأیید می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه ضریب جمله تصحیح خطا برابر (-0/3553) برآورد شده است به این نتیجه می‌رسیم که در هر دوره حدود 35 درصد از عدم تعادل ایجاد شده در متغیر وابسته، از مقادیر تعادلی بلندمدت خود در یک دوره، در دوره بعد تعدیل شده و از بین می‌رود. به بیان دیگر اگر شوک یا عدم تعادلی در نابرابری درآمد ایجاد شود، پس از 3 سال دوباره به تعادل باز خواهد گشت. بنابراین حرکت به سمت تعادل نسبتاً خوب است.

6. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه با استفاده از شاخص‌هایی شامل سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم اثر جهانی شدن بر روی توزیع درآمد بررسی شد. فرضیه کوزنتس در الگو تأیید شد به این معنا که بین رشد درآمد سرانه و توزیع درآمد رابطه‌ای به شکل U معکوس وجود دارد.

همانطور که در ابتدای مطالعه نیز بیان شد جهانی شدن دارای پیامدهای مثبت و منفی است که افزایش نابرابری از آثار نگران‌کننده آن به‌شمار می‌آید. با توجه به اینکه در این مطالعه آثار توزیعی جهانی شدن چندان نگران‌کننده به‌نظر نیامد، پیشنهاد می‌شود برای همگرایی با اقتصاد جهانی و به‌ویژه در جهت استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین حضور بیشتر در عرصه

تجارت خارجی اقدام بیشتری صورت پذیرد. البته به دلیل اهمیت جهانی شدن بر توزیع درآمد پیشنهاد می‌شود مطالعه‌های دیگری با استفاده از رهیافت تعادل عمومی و یا رهیافت‌های مبتنی بر اقتصاد خرد که در آنها از داده‌های درآمد و هزینه خانوار استفاده می‌شود به صورت تفکیکی برای خانوارهای شهری و روستایی انجام گردد.

منابع

- ابونوری، اسمعیل (1376)، "اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره 51.
- ابونوری، خوشکار (1386)، اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران (مطالعه بین‌استانی)، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره 77.
- احمدی، علی محمد و نادر مهرگان (1384)، "تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره 70، صص 209-239.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، *سالنامه آمار بازرگانی خارجی کشور*، سال‌های متفاوت.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *ترازنامه بانک مرکزی و گزارش‌های اقتصادی*، سال‌های متفاوت.
- بختیاری، صادق (1382)، *تحلیلی از درآمد با استفاده از روش پارامتریک*، انتشارات معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی دارایی.
- پازوکی، مهدی (1369)، *توزیع درآمد و دوگانگی ساختار اقتصادی در کشورهای عقب‌نگهداشته شده (مطالعه موردی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- پروین، سهیلا (1375)، "توزیع درآمد و تداوم رشد"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره 2، صص 25-46.
- خطیب‌زاده، مریم (1377)، "بررسی اثر مالیات بر درآمد بر توزیع درآمد در ایران"، *مجله بانک و اقتصاد*، شماره 7.
- داودی، پرویز و محمدعلی براتی (1386)، "بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره 43، صص 283-322.
- دهم‌ده، نظر (1389)، "ارزیابی شاخص‌های توسعه انسانی"، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره 36، سال دهم.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، *گزارش‌های اقتصادی معاونت امور اقتصادی و هماهنگی (دفتر اقتصاد کلان) در سال‌های (1368-1383)*.
- سالنامه آماری مرکز آمار ایران.
- سپهری، عباس (1371)، *تأثیر سیاست‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد (مطالعه موردی 1369-1347)*، پایان‌نامه دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
- سلمانی، آقاچازاده (1360)، "الگوی توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران"، *دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی*، وزارت برنامه و بودجه، مهر ماه.
- صدر منوچهری‌نائینی، علیرضا (1376)، "عوامل کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، *مجله اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد*.
- صمدی، سعید (1371)، "بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران"، *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره 49.
- گرگی، ابراهیم (1376)، "بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی دولت بر توزیع درآمد"، *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره 2.
- نیلی، مسعود و علی فرحبخش (1373)، "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره 34.

- هژیر کیلی، کامبیز و کیومرث‌سبزی (1385)، "تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران"، پژوهشنامه اقتصاد، شماره 22، صص 164.
- Bourguignon, F. (1979), "Decomposable Income Inequality Measures", *Econometrica*, Vol. 47, PP. 901.
- Cowell, F. A. & S. P. Jenkins (1995), "How much Inequality Can We Explain? A Methodology and an Application to the USA", *Economic Journal*, Vol. 105, PP. 421-430.
- Feenstra, R. C. & G. Hanson (1997), "Foreign Direct Investment and Alternative Wages; Evidence from Mexico's Maquiladoras", *Journal of International Economics*, Vol. 42, No. 3/4, PP. 371-393.
- Figini, P. & H. Gorg (1999), "Multinational Companies and Wage Inequality in the Host Country: The Case of Ireland", *Weltwirtschaftliches Archive*, Band 135, heft 4, PP. 135-145.
- Gupta, S., Davoodi, H. & E. Tiongson (2000), "Corruption and the Provision of Health Care and Education Services", International Monetary Fund, IMF Working Papers: 00/116.
- Jong-IL You & Ju-Ho Lee (2000), "Economic and Social Consequences of Globalization The Case OF South Korea", CEPA, Working Paper Series I, No. 17, available at <http://www.newschool.edu/cepa>.
- Mah, J. S. (2003), "A Note on Globalization and Income Distribution-the Case of Korea, (1975-1995)", *Journal of Asian Economics*, Vol. 14, PP. 157-164.
- Morrison & Bourguignon (1990), "Income Distribution Development and Foreign Trade: A Cross-Sectional Analysis", *European Economic Review*, Vol. 34 & No. 6, PP. 3-3.
- Mundell, R. A. (1957), "International Trade and Factor Mobility", *American Economic Review*, Vol. 47, No. 3, PP. 321-335.
- Nawazish, A. (1998), "Globalization, its Impact on Import of Venezuela", *Review of Economics and Statistics*, No. 57, PP. 221-224.
- Olalla L. F. & A. F. Vell (2005), "Macroeconomic Activity and Distribution of Income in Spain", www.ssrn.com.
- Paglin, M. (1975), "The Measurement and Trend of Inequality: A Basic Revision", *American Economic Review*, No. 65, PP. 598-609.
- Pesaran, M.H. & B. Pesaran (1996), *Working with Microfit 4.0: Interactive Econometric Analysis*, Oxford: Oxford University Press.
- Pesaran, M. H., Shin, Y. & R.J. Smith, (2001), "Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships", *Journal of Applied Econometrics*, Vol. 16, No. 3, PP. 289-326.
- Project Report of International Development Research Centre (IDRC).
- Roberto, Chang (1994), "Income Inequality and Economic Growth: Evidence and Recent theories", *Economic Review*, Federal Reserve Bank of Atlanta, Vol. 79, PP. 1-10.
- Rodrik Dani (1999), *Making Openness Work, the New Global Economy and the Developing Countries*, Washington D.C., The Overseas Development Council.
- Schultz, T. W. (1961), "Human Resources", *National Bureau of Economic Research*, Newyork. <http://www.NBER.org>.
- Blinder & Y. Esaki (1978), "Macro Economic Activity and Income Distribution in the Postwar United States", *Review of Economics and Statistics*, No. 60, PP. 604-609.
- Kuznets (1995), "Economic Growth and Income Inequality", *American Economic Review*.

